



میانگین (10 آرا)

رای شما

بصیرت از دیدگاه آیات قرآنی و کلام رهبری

چاپ



## بصیرت از دیدگاه آیات قرآنی و کلام رهبری

باتوجه به تحولات سیاسی اجتماعی امروز جهان اسلام و از جمله ایران اسلامی، یکی از مهمترین مسائل جامعه ما مسأله بصیرت است

### • چکیده

باتوجه به تحولات سیاسی - اجتماعی امروز جهان اسلام و از جمله ایران اسلامی، یکی از مهمترین مسائل جامعه ما مسأله بصیرت است. بر این اساس باتوجه به نقش، جایگاه و اهمیت بصیرت، در این مقاله با بهره‌گیری از تحلیل آیات و روایات و اندیشه مقام معظم رهبری، مبانی بصیرت، موانع و راههای کسب بصیرت در عرصه‌های سیاسی و اجتماعی به بررسی گذاشته شده است. بصیرت دانایی صرف نیست بلکه دانایی همراه با باور و ایمان است. از این رو موجب هدایت و حرکت است به شرط آنکه



هیجانها، غرایز حیوانی و وسوسه‌های شیطانی در آن یری نداشته باشد و مصداق حق را درست تشخیص دهد.

واژگان کلیدی قرآن کریم، بصیرت، تقوا، ولایتمداری، آیه الله خامنه‌ای

### • مقدمه

یکی از موضوعاتی که رهبر حکیم و فرزانه انقلاب اسلامی، حضرت آیت الله خامنه‌ای در چند سال اخیر به آن تأکید داشتند، مفهوم «بصیرت» و ضرورت برخورداری و بهره‌مندی از آن در عرصه‌های سیاسی و اجتماعی بوده است و مشکل اصلی جامعه اسلامی را نبود بصیرت و ضرورت در این عرصه عنوان نموده‌اند. به جرأت می‌توان گفت دلیل همه انحرافات سیاسی و اعتقادی که تا کنون ملت‌ها با آن روبرو بوده‌اند و بعضاً به نابودی و انحطاط آنان نیز منجر شده، رفتارها، تصمیم‌گیری‌ها و موضع‌گیری‌های بدون بصیرت بوده است. در این مقاله درباره مفهوم بصیرت، موانع و راههای کسب آن و نقش جایگاه ولایت در عبور از فتنه‌ها و بصیرت‌دهی پرداخته شده است.

پرسش اصلی این است که مهم‌ترین مبانی یا اصولی که بصیرت بر آن استوار است کدامند؟ برای پاسخ به این سؤال، در این مقاله با بهره‌گیری از آیات و روایات و به‌ویژه بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی حضرت آیه الله خامنه‌ای به شیوه‌ای توصیفی-تحلیلی، بهره‌گرفته می‌شود.

### • واژه‌شناسی

بصیرت در لغت به معنای بینایی، بینش، دید عمیق، چشم درون، هوشیاری، یقین، حجت روشن و برهان قاطع است (فرهنگ معین).

از آنجا که بصیرت از واژه‌های قرآنی نیز هست، مروری بر آیات مشتمل بر این واژه و هم‌خانواده‌های آن، ما را در فهم بهتر از معنای بصیرت یاری می‌کند.

۱. معنای لغوی بصیرت

فرهنگ معین « بصیرت » را چنین معنا می کند ۱. بینش، بینایی؛ ۲. روشن بینی ۳. دانایی ۴. زیرکی، هوشیاری ۵. یقین؛ ۶. حجت روشن، برهان قاطع

۲. معنای اصطلاحی بصیرت

بدهی است منظور از « بصیرت » دیدن با چشم نیست؛ بلکه نوعی بینش عمیق درباره حق و حقیقت است که در رفتارهای فردی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و... بروز و نمود دارد و موجب می شود انسان در همه عرصه ها، به ویژه عرصه اجتماعی سیاسی، رفتاری همسو باحق داشته باشد.

در قرآن کریم، مشتقات «بصر» ۱۴۸ بار و واژه «بصیرت» دوبار تکرار شده است. به طور کلی واژه «بصر» در متون اسلامی، گاه درباره بینایی ظاهری و حس، و گاه درباره بینایی باطنی و عقلی به کار می رود.

در قرآن و روایات اسلامی، واژه هایی وجود دارند که می توان گفت معادل واژه بصیرت اند و یا به آن بسیار نزدیک هستند.

۱- یقظه : یقظه (بیداری) بصیرت یافتن است

۲- نور :

۳- فرقان : نیروی جدا کننده حق از باطل

همچنین در بسیاری از روایات، واژه های دیگری همچون: عقل، معرفت، علم و حکمت، نیز در معنای بصیرت به کار رفته اند.

شیوه دیگر قرآن کریم برای شناساندن مفهوم بصیرت، طرح موانع بصیرت است، خداوند در این زمینه از مثالهای ملموس استفاده می کند؛ مثالهایی همچون «غشاه» و «اکنه» (یعنی پرده)، «وقر» (یعنی پنبه) و «سد» و «قفل» و «ختم» (یعنی مهر):

«و علی أبصارهم غشاوة» (بقره ۲: ۷).

«...علی قلوبهم أكنة أن یفقهوه و فی آذانهم و قرا» (کهف ۱۸: ۵۷).

«و جعلنا من بین أیدیهم سداً و من خلفهم سداً...» (یس ۳۶: ۹).

«أفلا یتدبرون القرآن أم علی قلوب أفلها» (محمد ۴۷: ۲۳-۲۴).

«ختم الله علی قلوبهم و علی سمعهم» (بقره ۲: ۷).

در مجموع با بهره گیری از بخش دیگری از آیات، مفهوم بصیرت را در معانی زیر می توان دسته بندی کرد:

۱- چشم درون، عقل، فهم و ادراکات قبلی؛

۲- نور؛

«و ما یتسوی الأعمی و البصیر و لا الظلمات و لا النور» (فاطر ۳۵: ۱۹-۲۰).

۳- دلایل روشن، علم و آگاهی که با توجه به این آیات ثابت می شوند:

«قد جاءکم بصائر من ربکم فمن أبصر فلنفسه و من عمی فلیها» (انعام ۶: ۱۰۴).

«هذا بصائر من ربکم و هدی و رحمة لِّقوم یؤمنون» (اعراف ۷: ۲۰۳).

«و لقد آتینا موسی الکتاب من بعد ما أهلكنا القرون الأولى بصائر للناس و هدی و رحمة لِّعلمهم یتذکرون» (قصص ۲۸: ۴۳).

۴- یقین و اطمینان کامل؛

«قل هذه سبیلی أدعو إلى الله علی بصیرة أنا و من اتبعنی» (یوسف ۱۲: ۱۰۸).

«بل الإنسان على نفسه بصيرة و لو ألقى معاذيره» (قیامت(۷۵): ۱۴-۱۵).

مفهوم بصیرت



بصیرت دانایی صرف نیست بلکه دانایی همراه با باور وایمان است از این رو موجب هدایت و حرکت است در حالیکه علم همواره مقرون باور قلبی نبوده و در نتیجه لزوما مایه عمل به مقتضاتش نیست.

بصیرت موجب هدایت بوده انسان را از غفلت بیدار می کند انسان بصیر به کمک این قوه از خطر گمراهی و فریب خوردن در امور و موضعگیری غافلانه و حساب نشده در امان است بصیرت مانند سپری است که در هنگام فتنه هاومواقف خطرناک انسان را مصون و محفوظ نگه می دارد. شاید از این روست که زره و لباس محافظ جنگی را بصیرت نامیده اند چون انسان را از شمشیرها و ضربه های نابهنگام و غافلانه حفظ می کند.

۱- بصیرت، علم یقینی است؛ علمی که باور انسان را به گونه ای شکل دهد که گویی انسان، بدون واسطه، حقیقت را درک کرده و می بیند.

۲- نیرویی نهانی است که به انسان در شناخت حقایق تا عمق وجود یا باطن آن کمک کند(جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۵، ج ۲: ۱۷۲ و فرهنگ معین).

در مجموع می توان گفت: بصیرت به معنای آگاهی، شناخت عمیق و اطمینان بخش و علمی یقینی و به منزله نوری است که به انسان، توانایی درک حقایق و پشت پرده حوادث را می دهد؛ به گونه ای که راه حق را از باطل به وضوح تشخیص می دهد و از بحرانها و فتنه ها به سلامت عبور می کند.

بر این مبنا، انسان بصیر کسی است که چشم دل او به نور الهی روشن گشته، از حواس ظاهری خود به بهترین وجه استفاده می نماید. چنین انسانی، مانعی در برابر چشم و گوش و پیش روی خود ندارد؛ اهل اندیشه و تدبّر است و با دلایل روشن و یقین و اطمینان سخن می گوید.

از مهم ترین ویژگی های بصیرت، می توان به این موارد اشاره کرد:

۱. بصیرت، مربوط به قلب و ذات و جان انسان است؛

۲. بصیرت، معرفت بدون اجمال و ابهام است؛

۳. بصیرت، آرامش دهنده قلب است؛

۴. بصیرت، روشنایی و نور خاص است.

ایمان به خدا و اعتقاد به وحی و نبوت و امامت، نوری در عمق جان پدید می آورد که این پرتوافکنی و نورافشانی همان بصیرت است. دیده بصیرت، در واقع همان شعور فطری مرموز و ادراک باطنی موجود در باطن انسان است که قدرت تشخیص نیک و بد، خیر و شر و حق و باطل را دارد و او را به آینده نگری و پیروی از حق و دوری گزیدن از باطل، دعوت می کند.

#### ● اهمیت و جایگاه بصیرت

در گذر تاریخ، جامعه های گوناگون بشری، با شرایطی روبه رو شده اند که حق و باطل درهم آمیخته بود و مردم دچار فتنه های بزرگ شده بود؛ فتنه هایی که پیامدش انحراف مردم از مسیر حق بود. جوامع اسلامی نیز از این حادثه مصون نماندند. دشمنان اسلام با آمیختن حق و باطل و ایجاد شک و شبهه در دل ها، در پی آن بودند که اهداف شوم خود را با دور

ساختن جوامع اسلامی از مسیر کمال و به تاراج بردن فکر و فرهنگ اصیل اسلامی، عملی کنند. فضای فتنه را فضای شبهه می گویند؛ چراکه فتنه گران در این فضا، باطل را شبیه به حق، جلوه می دهند. ۳ قرآن کریم ترفند فتنه گران را چنین بیان می کند:

... اما آنها که در قلب هایشان انحراف هست، به دنبال متشابهات اند تا فتنه انگیزی کنند (و مردم را گمراه سازند) و تفسیر (نادرستی) برای آن می طلبند، در حالی که تفسیر آنها را جز خداوند و راسخان در علم نمی دانند. (آل عمران):

اهمیت و جایگاه بصیرت، روشن بینی و درک درست از شرایط و فضاها، چنان است که قرآن کریم یکی از ویژگی های پیامبر اکرم(ص) و

پیروانش را داشتن بینش صحیح در رفتارها و کردارها می‌داند:

﴿قُلْ هَذِهِ سَبِيلِي أَدْعُو إِلَى اللَّهِ عَلَى بَصِيرَةٍ أَنَا وَمَنِ اتَّبَعَنِي﴾؛ ۳ «بگو این راه من است. من و پیروانم با بصیرت کامل، همه مردم را به سوی خدا دعوت می‌کنیم».

از اینکه خداوند به پیامبرش فرموده: «بگو: دعوت من و پیروانم به خداوند یگانه با بینش و بصیرت کامل است»، معلوم می‌شود در انتخاب مسیر زندگی، «بصیرت و بینش» در اولین درجه قرارداد و کسی که بصیرت لازم را داشته باشد، در روزهای فتنه و فضا‌های غبارآلود، مسیر را اشتباه نخواهد رفت.

همچنین از این آیه استفاده می‌شود که رهبر و پیشوای جامعه باید بصیرت، بینش و آگاهی کافی داشته باشد، در غیر این صورت، دعوت او به سوی «حق» نخواهد بود.

در واقع بصیرت و بینش، نور درونی است که شخص با آن نور می‌تواند در میان مردم، سالم و سازنده زندگی کند. این انسان با بصیرت است که راه را از چاه و حقیقت را از امر غیر حقیقی بازمی‌شناسد و با در نظر گرفتن اطلاعات و داده‌ها، گزینشی برتر و بهتر دارد، و در ارائه رأی و نظر، تصمیم صحیح و درست را اتخاذ می‌کند. در این زمینه امام علی(ع) می‌فرماید: «کسی که بصیرت نداشته باشد، رأی او نادرست و بی‌ارزش است».

اهمیت بصیرت از آنجا روشن می‌شود که بصیرت، محور همه اعمال انسان است و عکس‌العمل‌های متفاوت انسان بر اساس بینش و بصیرت او شکل می‌گیرد و ارزش و اعتبار انسان، وابسته به نوع بینش اوست.

با توجه به مطالب فوق، می‌توان گفت: بصیرت در صورتی حاصل می‌شود که شنیدن، همراه تفکر و دیدن، همراه با دقت باشد و با عبرت‌ها، قواعد و سنت‌های الهی تطبیق و سنجیده شود. در این شرایط راه از بیراهه شناخته می‌شود؛ به‌ویژه در هنگام فتنه‌ها.

#### ● هدف بصیرت

با توجه به معنای بصیرت در این نوشتار (بصیرت در امور اجتماعی) هدف کلی از بصیرت، شناخت و شناساندن حق و حقیقت است تا در سایه بصیرت و روشن دلی، جامعه رو به تکامل و سعادت پیش برود و شرایطی فراهم آید که جامعه اسلامی در مسیر حق قرار گیرد، به کمال نهایی برسد و زمینه ساز حکومت عدل الهی شود.

#### ● موانع کسب بصیرت

برخی از امور و گرایش‌ها در وجود انسان مانع از بصیرت یافتن وی می‌گردد بگونه‌ای که با وجود یقین به حقانیت موضوعی، آن را نادیده گرفته و چشم بصیرت خود را نسبت به آن فرو می‌بندد که در اینجا به دو مورد اشاره می‌کنیم

- دلبستگی به دنیا :

حضرت علی علیه السلام در این خصوص می‌فرماید : انّ الدّنيا دار محن، و محلّ فتن، من ساعاها فاتته، و من قعد عنها و اتته، و من ابصر اليها اعمته ۱

بدرستی که دنیا خانه محنت‌هاست، و جایگاه فتنه‌هاست، کسی که طلب کند آن را هلاکش کند؛ و کسی که به دنبالش نباشد را، با او بنیکوئی همراهی کند؛ و هر که نظر کند بسوی آن، کور گرداند او را ( چشم بصیرت را از او می‌گیرد) ۲. (شرح آقا جمال الدین خوانساری بر غرر الحکم ج ۲ ص ۶۳۷)

- گرفتار شدن به شهوات و لذت‌ها:

مقام معظم رهبری در سخنرانی‌های مکرر خود نسبت به تهاجم فرهنگی هشدار داده و در یکی از این سخنرانی‌ها فرموده اند : سیاست امروز سیاست اندلسی کردن ایران است (مقام معظم رهبری، ۶ فروردین ۱۳۸۱) چراکه وقتی جامعه‌ای مشغول و گرفتار شهوات شد دیگر بصیرت خور را نسبت به مسائل پیرامونی از دست می‌دهد و همچون اندلس ممکن است کشور را تقدیم کفار نماید .

#### ● راه‌های عملی کسب بصیرت :

- شناخت حقیقت ولایت و ولی امر زمانه خود

- داشتن فکر و اندیشه و تجزیه تحلیل مسائل



رهبر معظم انقلاب در اهمیت بصیرت در زندگی روزمره مردم نیز می فرماید: ﴿ در زندگی پیچیده اجتماعی امروز، بدون بصیرت نمیشود حرکت کرد. جوان ها باید فکر کنند، بیندیشند، بصیرت خودشان را افزایش بدهند. معلمان روحانی، متعهدان موجود در جامعه ما از اهل سواد و فرهنگ، از دانشگاهی و حوزوی، باید به مسئله بصیرت اهمیت بدهند؛ بصیرت در هدف، بصیرت در وسیله، بصیرت در شناخت دشمن، بصیرت در شناخت موانع راه، بصیرت در شناخت راههای جلوگیری از این موانع و برداشتن این موانع؛ این بصیرتها لازم است. وقتی بصیرت بود، آن وقت شما میدانید با کی طرفید، ابزار لازم را با خودتان برمیدارید

مقام معظم رهبری حفظه الله در جمع مردم خونگرم چالوس و نوشهر در ارتباط با ضرورت وجود بصیرت می فرماید: «بصیرت قطب‌نمای حرکت صحیح در اوضاع اجتماعی پیچیده امروز است به گونه‌ای که اگر کسی این قطب‌نما را نداشت و نقشه‌خوانی بلد نبود ممکن است ناگهان خود را در محاصره دشمن ببیند. اگر بصیرت نباشد، انسان حتی با نیت خوب ممکن است گمراه شود و در راه بد قدم بگذارد.» بنابراین اگر امروز سخنان رهبری را فهمیدیم و عمل کردیم و قدر ولایت را دانستیم، آنوقت می توان گفت که بصیرت پیدا کرده ایم.

#### جایگاه بصیرت در دیدگاه رهبر معظم انقلاب اسلامی

قبل از ورود به بحث مبانی بصیرت از دیدگاه حضرت آیه الله خامنه‌ای، نگاهی به جایگاه این مفهوم، فایده‌های بصیرت و پیامدهای فقدان آن از دیدگاه ایشان و همچنین راه‌های کلان یا راهبردهای کسب بصیرت ضروری می‌نماید. افزایش بصیرت، توصیه اساسی معظم له به همه و به‌ویژه خواص است. ایشان در توصیه‌ای می‌فرماید: «اگر من بخواهم یک توصیه به شما بکنم، آن توصیه این خواهد بود که بصیرت خودتان را زیاد کنید؛ بصیرت» (آیه الله خامنه‌ای، ۱۳۸۸/۰۳/۰۶)

ایشان در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری، دلیل اصرار بر افزایش بصیرت خواص و هدف از تأکید بر آن را چنین بیان می‌کند: «اینکه بنده مسأله بصیرت را برای خواص تکرار می‌کنم، به خاطر این است که گاهی اوقات غفلت می‌شود از دشمنی‌هایی که با اساس دارد می‌شود. اینها را حمل می‌کنند به مسائل جزئی. ما در صدر مشروطه هم متأسفانه همین معنا را داشتیم. در صدر مشروطه هم علمای بزرگی بودند که من اسم نمی‌آورم؛ همه می‌شناسید. معروفند که اینها ندیدند توطئه‌ای را که آن روز، غریب‌زدگان و به اصطلاح روشنفکرانی که تحت تأثیر غرب بودند، مغلوب تفکرات غرب بودند، طراحی می‌کردند. توجه نکردند که حرفهایی که اینها دارند در مجلس شورای ملی آن زمان می‌زنند، یا در مطبوعاتشان می‌نویسند، مبارزه با اسلام است. این را توجه نکردند؛ مماشات کردند. نتیجه این شد که کسی که می‌دانست و می‌فهمید - مثل مرحوم شیخ فضل الله نوری - جلوی چشم آنها به دار زده شد و اینها حساسیتی پیدا نکردند. بعد، خود آنهايي هم که به این حساسیت، اهمیت و بها نداده بودند، بعد از شیخ فضل الله مورد تعرض و تطاول و تهتک آنها قرار گرفتند و سبلی آنها را خوردند؛ بعضی جانشان را از دست دادند؛ بعضی آبرویشان را از دست دادند. این اشتباهی است که آنجا انجام گرفت. این اشتباه را ما نباید انجام بدهیم» (آیه الله خامنه‌ای، ۱۳۸۸/۱۲/۰۶)

رهبر معظم انقلاب اسلامی، بصیرت را قطب‌نمای حرکت صحیح و شاخص راه معرفی می‌کند: «در جاده، همیشه باید شاخص، مورد نظر باشد. اگر شاخص را گم کردید، زود اشتباه می‌کنید» (آیه الله خامنه‌ای، پرتو ولایت (بصیرت نافذ): ۲۲). ایشان با اشاره به بی‌بصیرتی برخی از اصحاب امیر المؤمنین علی علیه السلام و بیان این نکته که همه آنها مغرض نبودند، ضعف و فقدان قدرت تحلیل خوارج را عامل بی‌بصیرتی آنها معرفی می‌نماید و اینکه شاخص را گم می‌کردند (همان).

بر این مبنا، اساسی‌ترین فایده بصیرت، شناخت حق از باطل است. فایده دیگر بصیرت از دیدگاه رهبر معظم انقلاب، استقامت در راه حق است. ممکن است انسان، حق را از باطل تمیز دهد، ولی دنیاطلبی و جلوه‌های گوناگون دنیا، انسان را از استقامت در راه حق و ولایت بازمی‌دارد. اما افزایش بصیرت، بی‌اعتباری دنیا و لذتهای آن را بر ملا می‌کند. از این رو، فرد مشکلات و سرزنش‌های چند روزه را تحمل نموده، بر مسیر حق، پایدار و استوار باقی می‌ماند. با توجه به این نکته که مقام معظم رهبری با اشاره به خطبه ۱۷۳ نهج البلاغه می‌فرماید: «آنهايي که دور امیر المؤمنین بودند و ایستادند و جنگیدند، خیلی بصیرت به خرج دادند که بنده بارها از امیر المؤمنین نقل کرده‌ام که فرمود: «و لا یحمل هذا العلم الا اهل البصر و الصبر». در درجه اول، بصیرت لازم است» (همان: ۱۳).

ایشان همچنین بصیرت را عامل حل مشکلات فرد و جامعه می‌داند و در این رابطه می‌فرماید: «عزیزان من! تمام مشکلاتی که برای افراد

یا اجتماعات بشر پیش می‌آید، بر اثر یکی از این دو است: یا عدم بصیرت یا عدم صبر» (همان: ۳۹-۴۰).

توجه به پیامدهای فقدان بصیرت از سوی مقام معظم رهبری، جایگاه و اهمیت گوهر گرانبهای بصیرت را در دیدگاه ایشان نشان می‌دهد. به همان نسبت که کسب بصیرت برای فرد و جامعه مفید است، فقدان بصیرت مضر است تا جایی که می‌فرماید: «هر ضربه‌ای که در طول تاریخ، ما مسلمانان خوردیم، از ضعف قدرت تحلیل بود» (همان: ۱۳).

ضربات جبران‌ناپذیر ناشی از بی‌بصیرتی که ضعف در تحلیل سیاسی، دشمن‌شناسی، جریان‌شناسی، تکلیف‌شناسی، زمان‌آگاهی و اقدام به موقع در برابر دشمن را در پی دارد، گاه ممکن است تا نیم قرن تداوم داشته باشد. رهبر معظم انقلاب اسلامی در این زمینه می‌فرماید: «بصیرت و علم به زمان و استفاده از موقعیت‌ها برای هر عالمی، چه اعلم علما باشد و چه کسی که در یک محله، احکام دین را به چند نفر تعلیم می‌دهد، ضروری است... ما در طول تاریخ تشیع، به خاطر عدم آگاهی علما از حقایق جریان‌ها دنیا، خیلی ضربه خوردیم؛ به خصوص در دویست سال اخیر... هرگاه ما عالم دین و متقی و باهوش و زرنگ و دقیقی مثال میرزای شیرازی و شیخ انصاری داشتیم، از شر دشمن محفوظ می‌ماندیم و برنده بودیم؛ ولی آنجا که قدری غفلت و ناآگاهی در کار بوده است، ضرر می‌کردیم که آن ضرر به یک نفر و یک حوزه و یک مجموعه و یک شهر و یک سال و چند سال محدود نمی‌شد؛ بلکه در برخی موارد، اثرش تا پنجاه سال تمام، جامعه اسلامی را تحت فشار قرار می‌داد. دیگر نباید تسلیم ناآگاهی‌ها شویم. باید آگاهی و بصیرت را در خومان تقویت کنیم» (آیه الله خامنه‌ای، ۲۰/۱۲/۱۳۸۶).

حضرت آیه الله خامنه‌ای علاوه بر ضرورت و فایده‌های کسب بصیرت و ضررهای فقدان آن، راه‌های رسیدن به بصیرت را نیز بیان کرده‌اند که به اختصار آنها را بیان می‌کنیم:

یکی از این راه‌ها، صبر و استقامت است. رهبر انقلاب اسلامی در سخنان خود بارها بر عنصر صبر در کنار بصیرت اشاره کرده‌اند: «مواظب باشید صبرتان را از دست ندهید. ما با صبر پیروز شدیم. باز هم باید با صبر پیشروی بکنیم... صبر و بصیرت و وحدتتان را حفظ کنید» (همان، ۱۴/۰۳/۱۳۷۰).

راه دیگر، دشمن‌شناسی است. ایشان در این زمینه می‌فرماید: «من از خودی‌ها مصرا می‌خواهم قدری ذهن خودشان را باز کنند و فکر خودشان را به کار بیندازند؛ بفهمند امروز دشمن کیست، چه می‌خواهد و چه می‌کند و نقشه دشمن چیست. عقل، این است» (همان، ۱۵/۰۳/۱۳۷۷). بر همین اساس است که بر شناخت اهداف دشمن، تهدیدات و تاکتیک‌های او تأکید دارند.

مطالعه تاریخ، راه دیگری است که رهبر معظم انقلاب برای کسب بصیرت، ما را به آن رهنمون می‌شوند. ایشان در بحث عوام و خواص با اشاره به این نکته که تاریخ؛ یعنی شرح حال ما، می‌خواهند که هر کدام از ما مقایسه‌ای داشته باشیم و ببینیم در آن حادثه تاریخی، کجا قرار گرفته و آن روز چگونه عمل کردیم که ضربه خوردیم و مواظب باشیم. آن‌طور عمل نکنیم (همان، ۲۰/۰۵/۱۳۷۵).

راه چهارم، جریان‌شناسی است. ایشان در این رابطه از جمله به دو جریان یا خط کلی دوستان اسلام، انقلاب، امام و نظام جمهوری اسلامی و در مقابل، دشمنان اسلام، انقلاب، امام و نظام جمهوری اسلامی، اشاره نموده برای شناخت جریان‌های خودی از غیرخودی، معیارهای آن را بیان کرده‌اند (همان، ۲۳/۰۲/۱۳۷۹ و ۱۴/۰۳/۱۳۸۰ و ۱۴/۰۷/۱۳۷۹ و...).

تحلیل سیاسی و کسب توانایی در آن، راه دیگر و مهم کسب بصیرت است: «قدرت تحلیل در خودتان ایجاد کنید... این قدرت تحلیل، خیلی مهم است. هر ضربه‌ای که در طول تاریخ، ما مسلمانان خوردیم از ضعف تحلیل بود» (همان، ۱۳/۱۱/۱۳۷۷).

همچنین جبهه‌شناسی (همان، ۰۶/۰۳/۱۳۸۸)، تکلیف‌شناسی (همان، ۱۴/۰۳/۱۳۸۳)، موقع‌شناسی (همان، ۲۰/۰۳/۱۳۷۵) و آینده‌شناسی (همان، ۰۷/۰۹/۱۳۶۸) از دیگر راه‌هایی است که از نظر رهبر معظم انقلاب اسلامی ما را در کسب بصیرت یاری می‌رساند. علاوه بر آنچه آمد، ایشان ما را به مبانی بصیرت نیز راهنمایی می‌کنند که در ادامه بحث به آن می‌پردازیم.

#### • مبانی بصیرت

مبانی به معنای شالوده‌ها، اعضا، اندام (فرهنگ معین)، اصول یا ارکان است. بر این اساس، مهم‌ترین مبانی یا ارکانی که بصیرت بر آن استوار است را با بهره‌گیری از قرآن و روایات و نیز اندیشه حضرت آیه الله خامنه‌ای بیان می‌کنیم.

۱- قرآن کریم (وحی الهی)

در رأس مبانی بصیرت، قرآن کریم قرار دارد؛ چرا که قرآن، کتاب هدایت، نور، تبیان کلّ شیء و کتاب بصائر است. در سوره مائده، آیه ۱۵ درباره قرآن می‌خوانیم:

«قد جاءکم من الله نور و کتاب مبین»؛

از جانب خداوند نور و کتابی روشنگر برای شما آمده است. در سوره نحل، آیه ۹۸ نیز آمده است:

«و نزلنا عليك الكتاب تبياناً لكلّ شيء و هدى و رحمة و بشرى للمسلمين»؛

و ما این کتاب را بر تو نازل کردیم که بیانگر همه چیز و مایه هدایت و رحمت و بشارت برای مسلمانان است.

>

«قد جاءكم بصائر من ربكم فمن أبصر فلنفسه و من عمى فعليها»

(انعام(۶:۱۰۴)؛ دلایل روشن از سوی پروردگارتان برای شما آمد؛ پس هرکسی بینا شود، به سود خود اوست و هرکس از دیدن آن چشم پپوشد، خود زیان کرده است.

«هذا بصائر من ربكم و هدى و رحمة لّقوم يؤمنون» (اعراف(۷:۲۰۳)؛ این آیات وحی، وسیله بینایی از طرف پروردگارتان و مایه هدایت و رحمت برای جمعیتی است که ایمان می‌آورند.

در سوره جاثیه، آیه ۲۰ نیز خداوند، قرآن را مایه بصیرت مردم و نه فقط مؤمنان معرفی می‌کند. «هذا بصائر للناس»

براساس این آیات در بصیرت‌آفرینی قرآن، تردیدی وجود ندارد. در پرتو نور قرآن است که چشم دل ما بینا می‌شود و می‌توانیم حق را از باطل تشخیص دهیم. در پرتو انس با قرآن و عترت است که تداوم بصیرت ممکن می‌شود و بینایی ما قوام می‌یابد.

قرآن کریم بارها و با تأکید فراوان، یک‌سری پیامها و اوامر الهی را به انسانها ابلاغ می‌کند؛ پیامها و اوامری از قبیل: چشمانتان را باز کنید، فکر و اندیشه خود را به کار اندازید، از حواس خود به درستی بهره بگیرید، در خلقت آسمانها و زمین بیندیشید، در زمین سیر کنید و سرگذشت پیشینیان را ببینید و بینا شوید؛ چون هر آنکه در این دنیا کوردل باشد، در آخرت نیز چنین است.

در سوره حج، آیه ۴۶ می‌خوانیم: «آیا آنان در زمین سیر نکردند تا دل‌هایی داشته باشند که حقیقت را با آن درک کنند یا گوشه‌هایی که با آن (ندای حق را) بشنوند؟! چرا که چشم‌های ظاهر نابینا نمی‌شود؛ بلکه دل‌هایی که در سینه‌هاست، کور می‌شود».

البته تأکید بر قرآن کریم به مفهوم جدایی از عترت نیست، عترت یعنی نقل کبیر در کنار قرآن (نقل اکبر)، نقش کلیدی در بصیرت‌زایی و تداوم آن دارد. چه بسیار از بی‌بصیرتی‌ها در تاریخ اسلام که محصول جدایی از سنت رسول الله صلی الله علیه و اله و عترت آن حضرت بوده است. به تعبیر آیه الله جوادی آملی همانطور که نمی‌توان گفت: «حسبنا کتاب الله»، همانطور نمی‌توان گفت: «حسبنا العتره» و با اخذ یکی و ترک دیگری، اهل نجات بود (جوادی آملی، ۲۱۷: ۱۳۸۱).

مقام معظم رهبری براساس همین آموزه‌ها، بر مبنا بودن قرآن کریم برای بصیرت تأکید دارند.

۲- تقوا

مبنای دیگر بصیرت، تقواست که به معنای پیروی از اوامر و نواهی خداوند، رعایت حلال و حرام الهی، واجب و مستحب و مکروه و مقابله با خواسته‌های نامشروع نفسانی و شیطانی است. همان‌گونه که برای درک مفهوم بصیرت از قرآن کریم بهره گرفتیم، برای بصیرت‌یابی در مفهوم تقوا نیز به این کتاب آسمانی مراجعه می‌کنیم. ایمان به غیبت، برپاداری نماز، انفاق، ایمان به انبیای الهی، به ویژه رسول اکرم صلی الله علیه و اله و یقین به آخرت (بقره(۲:۲-۵)) از آثار تقواست. تقوا، همراه نیکی است و نیکی، یعنی پارسامندی؛ یعنی در هر کاری از مسیر اصلی و قانونی آن وارد شویم؛ نه از راه خلاف، گناه و جرم (بقره(۲:۱۸۹)).

اگر غربزده و شرقزده نشویم، ایمان به خدا، آخرت، فرشتگان، کتابهای آسمانی و پیامبران پیشین داشته باشیم، به محرومان و مستضعفان، کمک کنیم، علاوه بر اقامه نماز، زکات بدهیم و به عهد و پیمان خود وفادار باشیم و در سختی‌ها و هنگامه نبرد، استقامت کنیم، در چنین شرایطی صفت تقوا بر ما به درستی صدق خواهد کرد (بقره(۲:۱۷۷)).

تقوا موجب می‌شود تا اگر دچار لغزش شدیم یا به خود ستم کردیم، از خدا غافل نشویم؛ بلکه با یاد خدا و استغفار، خود را پاک کنیم و بر گناه اصرار نوزیم (آل عمران(۳:۱۳۴-۱۳۵)).

مطالب فوق به خوبی روشن‌گر آن است که بصیرت، دستاورد تقوا است و روشن‌ضمیری در پرتو تقوای الهی و پارسامندی حاصل می‌شود؛ زیرا انسان پرهیزگار، صاحب نوری است که راه را از چاه بر او مکشوف می‌کند؛ از فرقان؛ یعنی قوه تشخیص حق از باطل برخوردار است و این همان مفهوم بصیرت یا روشن‌بینی است.

رهبر معظم انقلاب اسلامی نیز بر مبنا بودن تقوا برای بصیرت چنین تأکید می‌کند: «آنچه که بصیرت و بینش انسان را در قضایای مختلف و در حوادث گوناگون و زیر غبار تبلیغات جنجال‌آمیز دشمنان، تضمین و حفظ می‌کند، دل پاک و نورانی مؤمن است...؛ دلی که از ایمان برخوردار است و منشأ تقوا در اندیشه و عمل است با تبلیغات دشمنان، گمراه نمی‌شود» (آیه الله خامنه‌ای، ۱۳۸۲/۰۶/۲۹).

در نگاه ایشان تقوا و باخدا بودن، این چنین راهگشا است: «اگر به خدا رو کردیم، خدا راه را باز می‌کند.»

«و انّ الرجل الیک قریب المسافة»؛

یک قدم به سمت خدا برداشتن، دل انسان را روشن می‌کند، به انسان فتوح می‌بخشد، زنگارها را از جلوی بصیرت انسان می‌زداید و قدم بعدی و ادامه راه را برای انسان، راحت‌تر می‌کند (همان، ۱۶/۰۲/۱۳۷۱).

➤

ایشان بی‌تقوایی را مانع بصیرت برمی‌شمرد و می‌فرماید: «نقطهء مقابل تقوا، غفلت و بی‌توجهی و حرکت بدون بصیرت است. خدا ناهوشیاری مؤمن را در امور زندگی نمی‌پسندد. مؤمن باید در همهء امور زندگی، چشم باز و دل بیدار داشته باشد (همان، ۱۰/۰۱/۱۳۶۹).

### ۳- ولایتمداری

ولایت در لغت، مفاهیمی چون قرب، محبوبيت، دوستی، اتصال و پیوند و حاکمیت و سرپرستی را شامل می‌شود (معین). از لحاظ عرفانی، این واژه، نزدیکی هر چه بیشتر به خدا را می‌رساند که به دنبال خود، اجازهء تصرف در امور و نیابت را دارد و به لحاظ سیاسی، به معنای پیوند بین حاکم اسلامی و مسلمانان و همچنین سرپرستی یا ادارهء کلان نظام اسلامی است (امام خمینی، ۱۳۷۲: ۳۶؛ آیه الله خامنه‌ای، ۲۰/۰۴/۱۳۶۹ و ۱۰/۰۴/۱۳۷۰ و بنابرین، ولایت به معنای حکومت، زمامداری و سرپرستی است.

وقتی از ولایتمداری یا ولایت محوری سخن گفته می‌شود، منظور آن است که فرد و جامعه، محور و مدار زندگی خود را خدای بزرگ، انبیا علیهم السلام، به ویژه پیامبر اعظم صلی الله علیه و اله و ائمه اطهار و فقیه جامع الشرائط قرار دهند و در ذیل سلسله مراتب نظام ولایت؛ ولایت الله، ولایت انبیا، ولایت رسول الله، ولایت ائمه اطهار و ولایت فقیه، تمام ابعاد زندگی خود؛ اعم از سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و نظام اجتماعی را سامان دهند.

در روایات نیز وارد شده است که: «ما نودی بشیء بمثل ما نودی بالولاية» (کلینی، ۱۳۰۴ ق، ج ۲: ۱۸). یعنی در بین اصول و مبانی اسلامی، هیچ کدام به اندازه ولایت، دارای اهمیت نیست و به آن دعوت نشده است. با توجه به این اهمیت و براساس دیدگاه مقام معظم رهبری، ولایتمداری فرد و جامعه را به شرح زیر می‌توان تبیین کرد:

«ولایت در یک انسان، به معنای وابستگی فکری و عملی هر چه بیشتر و روز افزون تر با ولی است. ولی را پیدا کن، ولی خدا را بشناس، خود را به او متصل و مرتبط کن، به دنبالش حرکت بکن؛ به طوری که تلاش تو، تلاش او، جهاد تو، جهاد او، دوستی تو، دوستی او، دشمن تو، دشمن او و جبهه بندی های تو، جبهه بندی های او باشد... اما ولایت در یک جامعه به این است که اولاً: ولی در آن جامعه مشخص باشد و ثانیاً: منشأ و الهام بخش همه نیروها، نشاطها و فعالیت های آن جامعه باشد؛ قطبی باشد که همهء جویها و سرچشمه ها از او سرازیر می‌شود. مرکزی باشد که همهء فرمانها را او می‌دهد و همهء قانونها را او اجرا می‌کند. نقطه ای باشد که همهء رشته ها و نخها به آنجا برگردد. همه به او نگاه کنند. همه دنبال او بروند. موتور زندگی را او روشن بکند. راننده و پیش قراول کاروان زندگی در جامعه او باشد. این جامعه، جامعهء دارای ولایت است» (آیه الله خامنه‌ای، ۱۳۷۰)

آیه الله خامنه‌ای در جای دیگری نیز مفهوم ولایتمداری یک جامعهء دینی را چنین تعریف می‌کند: «همهء اجزای آن به یکدیگر و به آن محور و مرکز جامعهء اسلامی؛ یعنی ولی متصل باشند و از درون، دارای یک اتحاد و ائتلاف باشند (آیه الله خامنه‌ای، حدیث ولایت، ج ۳: ۴۷).

پس از روشن شدن مفهوم ولایتمداری، اکنون به رابطهء ولایتمداری با بصیرت می‌پردازیم. ولایتمداری از آن رو مبنای بصیرت سیاسی است که ولی امر جامعه با توجه به جایگاه بلندی که دارد و در قلّه رفیعی که قرار گرفته است، نسبت به امور جامعه از همه بیناتر و هوشیارتر است. لذا توجه به او و اطاعت از او راه را از چاه به فرد و جامعه نشان می‌دهد. با توجه به اینکه ولی امر جامعه از مقام عصمت در عصر رسول الله صلی الله علیه و اله و ائمه اطهار علیهم السلام و مقام عدالت در عصر غیبت کبری برخوردار است و به دلیل تقوای بالایش، علاوه بر اینکه اخبار و گزارش امور جامعه و جهان در اختیارش قرار می‌گیرد، خداوند او را نسبت به حقایق بسیاری از امور آگاه می‌سازد. لذا توجه به بیانات، سخنان و فرامین ولی فقیه در جامعه، افراد را از گمراهی و انحراف بازمی‌دارد.

ولایتمداری، نه تنها بصیرت زاست، بلکه تداوم بصیرت به ویژه بصیرت سیاسی انسان، بسته به تداوم ولایتمداری اوست. در این صورت است که بصیرت انسان، قوام می‌یابد؛ یعنی اگر ولایتمداری قطع شود، گمراهی و انحراف در کمین فرد نشسته است. در طول تاریخ اسلام، همین قطع رابطه با ولایت و مقابله با آن، بسیاری از خواص تأثیرگذار و با سابقهء ارزشمند را به بی‌بصیرتی کشانده است.

مقام معظم رهبری، ولایت را عامل شناخت حقیقتها و تشخیص خط صحیح از خط انحرافی در واقع مبنای بصیرت و روشن بینی معرفی می‌کند: «اساسی ترین مسألهء دین، مسألهء ولایت است؛ چون ولایت، نشانه و سایهء توحید است. ولایت، یعنی حکومت؛ چیزی است که در جامعهء اسلامی، متعلق به خداست و از خدای متعال به پیامبر و از او به ولی مؤمنین می‌رسد. آنها که در این نکته شک داشتند، دچار انحراف بودند و حقیقت را نمی‌فهمیدند؛ هر چند ممکن بود سجده های طولانی هم بکنند! همان کسانی که در جنگ صفین از امیر المؤمنین رو برگرداندند و رفتند، به عنوان مرزبانی در خراسان و مناطق دیگر ساکن شدند، سجده های طولانی یک شب یا ساعت های متمادی می‌کردند، اما فایده اش چه بود که انسان امیر المؤمنین را نشناسد. خط صحیح را که خط توحید و خط ولایت است-



نفهمد و برود مشغول سجده بشود! این سجده چه ارزشی دارد؟! بعضی از روایات باب ولایت نشان می‌دهد که این‌طور افراد که همه عمرشان را عبادت بکنند، اما ولی خدا را نشناسند تا به دلالت او حرکت بکنند و مسیر را با انگشت اشاره او معلوم نمایند، این چه فایده دارد؟» و «لم یعرف ولایة ولیّ الله فیو الیه و یکون جمیع اعماله بدلاته» (کلینی، ۱۴۰۳ ق، ج ۹۱:۲) (آیه الله خامنه‌ای، پرتو ولایت نافذ بصیرت).

رهبر معظم انقلاب اسلامی، یکی از توجهات امام خمینی قدس سره به عنوان رهبر و ولی فقیه جامعه به مردم را در لزوم آگاه‌سازی دائمی مردم، معرفی می‌کند و می‌فرماید: «خود امام خمینی در سنین بالای عمر با حال پیرمردی از هر فرصتی استفاده کرد برای اینکه حقایق را برای مردم بیان کند. در دستگاه‌های تبلیغاتی جهانی، نقش تحریف و گمراه‌سازی، نقش فوق العاده خطرناکی است که امام به آن توجه داشت. وسایل ارتباطی فکری نامطمئن و وابسته به دشمنان کشور و ملت، امام را وادار می‌کرد که هم خود او به‌طور دائم در موضع تبیین و ارشاد و هدایت مردم قرار گیرد و هم به دیگران دائما توصیه کند که حقایق را به مردم بگویند و افکار آنها را نسبت به حقایقی که دشمن سعی می‌کند آنها را مکتوم نگه دارد، آشنا کند. اینکه ما دائما به صاحبان بیان و قلم و تربیونهای مختلف توصیه می‌کنیم که هدف و همت خود را بر تبیین صحیح حقایق قرار دهند، برای این است» (آیه الله خامنه‌ای، ۱۳۸۰/۰۳/۱۴).

#### ۴- تفکر (عقل)

تعقل و تفکر در نزد خدا از جایگاه بسیار بلندی برخوردار است. در کتاب خدا، بارها انسان به تفکر دعوت شده است و بدترین جنبندگان نزد خدا کسانی معرفی شده‌اند که عقل خود را به کار نمی‌گیرند (انفال: ۸). بر این اساس، یک مبنای مهم برای بصیرت، تعقل است. امام علی علیه السلام از به خواب رفتن یا سبات عقل به خدا پناه می‌برد و می‌فرماید: «نعوذ بالله من سبات العقل و قبح الزلل» (نهج البلاغه، خطبه ۲۲۴)؛ یعنی از خوابیدن عقل و زشتی لغزشها به خدا پناه می‌بریم.

راه مقابله با خوابیدن عقل، اندیشیدن و تفکر است. امام صادق علیه السلام به ما چنین می‌آموزد: «فانّ التفکر حیاة القلب البصیر كما یشمی المستنیر فی الظلمات بالنور» (العاملی، ۱۴۱۴ ق، ج ۱۷۰:۶).

بنابراین، همان‌گونه که با کمک نور در تاریکی‌ها راه می‌پیماییم، اندیشه نیز به منزله نور قلب یا عقل، ما را به بصیرت می‌رساند. به تبع قرآن و عترت، رهبر معظم انقلاب اسلامی نیز بر جایگاه تعقل، تفکر و مکانت بلند عقل در اندیشه اسلامی تأکید دارند. ایشان می‌فرماید: «در اسلام، یکی از منابع حجت برای یافتن اصول و فروع دینی، عقل است. اصول اعتقادات را با عقل بایستی به دست آورد، در احکام فرعی هم، عقل یکی از حجت‌هاست.

رهبر معظم انقلاب اسلامی، همچنین به ابتدای تشیع بر عقل و تفکر اشاره کرده، می‌فرماید: «ما از اول تشیع در تعالیم ائمه علیهم السلام، به سوی عقل، منطق و استدلال سوق داده شدیم و همین‌طور هم باید عمل بکنیم» (همان، ۱۳۸۵/۰۸/۱۷).

اسلام و قرآن، حتی درباره اصیل‌ترین موضوعات دینی همچون «توحید» نیز روی تعقل و تدبّر تأکید می‌کنند. آیه الله خامنه‌ای در این باره می‌فرماید: «توحید، وادی بسیار با عظمتی است. اما در چنین وادی با عظمتی، باز از مؤمنین و مسلمین خواسته‌اند که با تکیه به تفکر و تدبّر و تعقل پیش بروند. واقعا هم عقل و تفکر می‌تواند انسان را پیش ببرد. البته در مراحل مختلف، عقل به نور وحی و نور معرفت و آموزشهای اولیای خدا، تجهیز و تغذیه می‌شود. لیکن بالأخره آنچه که پیش می‌رود عقل است. بدون عقل نمی‌شود هیچ‌جا رفت» (همان، ۱۳۶۹/۰۱/۲۲).

با اشاره به زندگی پیچیده امروز، فکر و اندیشه را عاملی برای افزایش بصیرت معرفی می‌کنند: «در زندگی پیچیده اجتماعی امروز، بدون بصیرت نمی‌شود حرکت کرد. جوانها باید فکر کنند، بیندیشند، بصیرت خودشان را افزایش دهند. معلمان روحانی، متعهدان موجود در جامعه ما، از اهل سواد و فرهنگ، از دانشگاهی و حوزوی باید به مسأله بصیرت اهمیت بدهند؛ بصیرت در هدف، بصیرت در وسیله، بصیرت در شناخت دشمن، بصیرت در شناخت موانع راه، بصیرت در شناخت راه‌های جلوگیری از این موانع و برداشتن این موانع. این بصیرت‌ها لازم است» (همان، ۱۳۸۸/۰۷/۱۵).

از نظر رهبر انقلاب اسلامی، مبنای کار جامعه اسلامی بر تأمل، تدبّر، اندیشیدن و جوانب امور را دیدن است (همان، ۱۳۷۷/۰۲/۰۲) و کسی که عقل خود را به کار نمی‌گیرد، نه تنها به بصیرت نمی‌رسد، بلکه گمراه می‌شود و در تشخیص مصادیق عدالت به بیراهه می‌رود: «اگر عقل و خرد در تشخیص مصادیق عدالت به کار گرفته نشود، انسان به گمراهی و اشتباه دچار می‌شود؛ خیال می‌کند چیزهایی عدالت است؛ در حالی که نیست و چیزهایی را هم که عدالت است، گاهی نمی‌بیند» (همان، ۱۳۸۴/۰۶/۰۸).

مبانی بصیرت، لزوما منحصر در موارد چهارگانه طرح شده نیست و می‌توان مبانی دیگری را نیز به این مبانی افزود. اما از آنجا که بررسی و تحقیق بیشتر پیرامون این مسأله، نتایج فراتر از گنجایش یک مقاله را دارد، لذا به مهم‌ترین مبانی آن اکتفا گردید.

#### نتیجه‌گیری

قرآن کریم از آن رو مبنای بصیرت است که کتاب نور، هدایت، تبیان کلّ شیء و کتاب بصائر است. نیز از آنجا که به محکم‌ترین و استوارترین راهها هدایت می‌کند، در پرتو این نور، چشم دل بینا می‌گردد.

جامعه اسلامی برای رسیدن به تکامل حقیقی باید رفتارش با بصیرت باشد. جبهه های معارض با اندیشه های دینی و ولایت فقیه، از داخل و خارج، فکر اسلامی و توده مردم را نشانه گرفته و باعث تولید شبهه و درهم رختن معیارهای حق و باطل می گردد. که در چنین وضعیتی، بصیرت، عامل مهم گذر از آشوبها و فتنه ها می باشد.

عبور از فتنه ها و پیروی از رهبری امری سطحی نیست، بلکه درک راه و قصد و هدف عالی ایشان و در مسیر آن راه قرار گرفتن است. با توجه به تحولات سیاسی-اجتماعی امروز جهان اسلام و از جمله ایران اسلامی، یکی از مهم ترین مسائل جامعه ما مسأله بصیرت است. با آنکه رهبر معظم انقلاب اسلامی، حضرت آیه الله خامنه ای-مد ظله العالی- بارها در سخنرانی ها و خطبه های جمعه و دیدارهایشان بر ضرورت کسب بصیرت تأکید کرده اند، مطالعات و تحقیقات شایسته ای در ابعاد گوناگون این مسأله صورت نگرفته است.

بر این اساس با توجه به نقش، جایگاه، اهمیت و ضرورت بصیرت و خلأ تحقیقاتی درباره آن، در این مقاله در پاسخ به این سؤال که مهم ترین مبانی و اصول بصیرت کدامند. از راه درون دینی، یعنی تحلیل آیات و روایات و نیز با بهره گیری از اندیشه مقام معظم رهبری معلوم می گردد که بصیرت، بر پنج مبنای اساسی قرآن کریم، تقوا، ولایتمداری و تفکر عاقلانه و تحلیل استدلال عادلانه استوار است. منابع و مأخذ

۱. قرآن کریم.

۲. نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی، مؤسسه فرهنگی تحقیقاتی امیر المؤمنین، چ ۱۳۸۳، ۷.

۳. آمدی، غرر الحکم، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، چ ۱۳۸۷، ۲.

۴. آملی، سید حیدر، جامع الاسرار و منبع الانوار، تهران، بی نا، ۱۳۴۷.

۵. آیه الله خامنه ای، سید علی، پرتو ولایت، دفتر بیست و ششم، بصیرت نافذ.

۶. آیه الله خامنه ای، سید علی، حدیث ولایت، چ ۳.

۷. آیه الله خامنه ای، سید علی، ولایت، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۰.

۸. العاملی، شیخ حر، وسائل الشیعه، قم، مؤسسه آل البیت، چ ۱۴۱۴، ۲، ق، چ ۶.

۹. امام خمینی، مصباح الهدایة الی الخلافة و الولاية، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، ۱۳۷۲.

۱۰- بحار الانوار، ج ۷۷، ص ۱۶۳.

۱۱. پایگاه اطلاع رسانی دفتر مقام معظم رهبری. (<http://www.leader.ir>)

۱۲. جمعی از محققان، دایرة المعارف تشیع، چ ۳، ۱۳۷۳.

۱۳. جمعی از نویسندگان، رهیافت هایی از مکتب پیامبر اعظم صلی الله علیه و اله، قم، پژوهشکده تحقیقات اسلامی، ۱۳۸۵.

۱۴. جوادی آملی، عبد الله، قرآن در قرآن، قم، مرکز نشر اسراء، چ ۱۳۸۱، ۳.

۱۵- فرهنگ عمید، حسن عمید، ص ۲۲۰، موسسه انتشارات امیر کبیر، تهران.

۱۶. فصلنامه حصون، شماره ۲۲، زمستان ۱۳۸۸ و شماره ۵۱، بهار ۱۳۸۷.

۱۷. کلینی، الاصول من الکافی بیروت، دار الاضواء، چ ۱۴۰۳، ۳، ق، چ ۲.

۱۸. معین، محمد، فرهنگ معین.

۱۹ - مفردات الفاظ قرآن، راغب اصفهانی، ص ۱۲۷، بیروت، دارالقلم، ۱۴۱۲ ق .